

۵۶ سال اسارت

تجزیه و تحلیل رخداد‌های دوران بهلوی

جلد هشتم

استراتژی حضرت امام خمینی برای سرنگونی شاه
«از پایداری در تبریز تا فاجعه ۱۷ شهریور»

تألیف:

علی محمد بشارتی

سرشناسه: بشارتی، علی محمد
عنوان و نام پدیدآور: ۵۷ سال اسارت: تجزیه و تحلیل رخدادهای دوران پهلوی (جلد هشتم) / علی محمد بشارتی.
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: (ج. ۸، ل. ۲۵۵ ص.) ج.
فروست: تاریخ تحلیلی ایران بعد از اسلام.
شابک: (ج. ۸) 978 - 964 - 212 - 157 - 1 (دوره) 978 - 964 - 212 - 158 - 8
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: ج. ۱: ۱۳۸۲، ج. ۲: ۱۳۸۳، ج. ۳: ۱۳۸۴، ج. ۴: ۱۳۸۵، ج. ۵: ۱۳۸۶، ناشر انتشارات سوره مهر.
ج. ۶: ۱۳۸۷، ناشر انتشارات هنرهای اندیشه، ج. ۷: ۱۳۸۹، ج. ۸: ۱۳۹۰، ناشر مؤسسه چاپ و نشر عروج.
کتابنامه: ص. ۲۵۳ - ۲۵۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.
متممات: ج. ۱: دوران رضاخان، ج. ۲: از تبعید رضاخان تا ترور رزم آرا، ج. ۳: از رزم آرا تا شروع مبارزات امام خمینی، ج. ۴: از قیام ۱۵ خرداد تا تبعید امام خمینی، ج. ۵: از تبعید امام خمینی تا جشنهای ۲۵۰۰ ساله، ج. ۶: بعد از جشنهای ۲۵۰۰ ساله تا سقوط هویدا، ج. ۷: از ارتحال حاج آقا مصطفی خمینی تا انفجار نور در قم، ج. ۸: استراتژی حضرت امام خمینی برای سرنگونی شاه «از پایداری در تبریز تا فاجعه ۱۷ شهریور».
عنوان دیگر: تجزیه و تحلیل رخدادهای دوران پهلوی.
موضوع: ۱. رضا پهلوی، شاه ایران، ۱۲۵۷ - ۱۳۲۳، ۲. محمدرضا پهلوی، شاه ایران، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۹، ۳. ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷.
شناسه افزوده: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، معاونت پژوهشی، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
رده بندی کنگره: ۹۰۵ / ۱۲۶۶ DSR
رده بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۸۲
شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۹۴۱ - ۸۸۰

کذ / م ۲۷۰۳



مؤسسه چاپ و نشر عروج

□ ۵۷ سال اسارت (ج. ۸)

◆ نویسنده: علی محمد بشارتی

◆ ناشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))

◆ چاپ اول: ۱۳۹۰

◆ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

◆ قیمت: ۴۸۰۰ تومان

• خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و قفروازی، فروشگاه مرکزی، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

• خیابان انقلاب، تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز پخش: • خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای زاندارمری، فروشگاه شماره ۲، تلفن: ۶۶۹۵۵۷۳۷

• حرم مطهر حضرت امام خمینی (س)، ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳، تلفن: ۵۵۲۰۳۸۰۱

• کلیه نمایندگیهای فروش در استانها

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

فصل اول: استراق‌زی امام خمینی برای سرنگونی شاه

- ۴..... سلطنت رضاخان اسلام ستیز
- ۶..... نفی روحانیت برای جلوگیری از نفی شاه
- ۷..... ۱- اسلام دین زندگی و حکومت
- ۷..... الف: دوران سخت آغاز بعثت
- ۸..... ب: دوران حضور در مدینه
- ۱۰..... ۲- سرنگونی شاه گام اول تشکیل حکومت اسلامی
- ۱۱..... یأس شاه و آخرین غارنها
- ۱۱..... سیاست «گام به گام» در مبارزات با شاه اشتباه است
- ۱۲..... سی سال جنایت مستمر
- ۱۳..... اجازه سلطنت به شاه، خیانت به مردم است
- ۱۳..... به شاه نباید مهلت داد
- ۱۴..... طرح جانشینی سلطنت و شورای سلطنت، انحراف از نهضت است

- ۱۵ قطع ریشه ظلم
- ۱۶ الآن وقت کار است.
- ۱۶ اگر مهلت دهیم، ملت نابود خواهد شد.
- ۱۷ وحدت برای قطع ریشه
- ۱۷ شایعه کمونیست شدن ایران!
- ۱۸ تکلیف، همراهی با نهضت
- ۱۸ مجرمیت شاه به حسب قانون اساسی
- ۱۹ ۳- ولایت فقیه
- ۲۱ ولایت فقیه در یک نگاه
- ۲۲ ۴- مردم باوری با ارتباط پیوسته با مردم
- ۲۳ بی اعتقادی محمدرضا نسبت به مردم
- ۲۵ جایگاه مردم در دیدگاه امام خمینی
- ۲۷ اینها را آتش زده اند که فریاد می زنند
- ۲۷ ضرورت حمایت افشار مختلف مردم از شمارها و خواسته های مردم
- ۲۸ ۵- تقوای الهی
- ۲۹ عالم محضر خداست
- ۳۰ ۶- نفی رژیم شاهنشاهی
- ۳۱ شاه و اربابهایش منشاء خرابیها
- ۳۲ فرهنگ و ارتش وابسته
- ۳۳ تأکید وزیر خارجه انگلیس به داشتن منافع در ایران
- ۳۴ دیوانگی دیکتاتورها در اواخر عمر
- ۳۵ نزاع ما برای ملت و منافع ملت است
- ۳۵ فریاد ملت: آزادی، استقلال
- ۳۶ تهیه سلاح برای حفظ منافع امریکا
- ۳۷ همه دستگاهها در ایران غیر قانونی است
- ۳۸ مجرمیت شاه به حسب قانون اساسی
- ۳۸ علت تأیید اجانب، غارت بیشتر مخازن ما

- ۳۹..... ارتش باید قیام کند
- ۴۰..... هشدار به جوانهای بازی خورده و اغفال شده
- ۴۰..... لزوم معرفی صحیح اسلام در خارج
- ۴۱..... تبلیغ کنید و همه را روشن کنید
- ۴۲..... توجه جهانیان به ایران
- ۴۳..... ۷- مبارزه جلدی با آمریکا و انگلیس و اسرائیل و شوروی به عنوان حامیان شاه
- ۴۵..... موضوعگیری امام خمینی راجع به اسرائیل
- ۴۶..... ۸- افشاگری در مورد مردم ستیزی و قانون گریزی شاه
- ۴۷..... ۹- تشریح مظلومیت و محرومیت مردم ایران
- ۴۸..... اعلام شکست برنامه های اصلاحی شاه
- ۴۹..... مواضع امام نسبت به اصلاحات ارضی
- ۵۲..... ۱۰- شاه عامل همه نابسامانی ها
- ۵۴..... شاه همه کاره!
- ۵۵..... در این کشور این منم که حرف آخر را می زنم؟!۱۱
- ۵۶..... خرج هیچ و پوچ از جیب ملت گرسنه
- ۵۸..... ساواک از تأسیس تا خون آشامی به دستور شاه
- ۵۸..... جشن پوچ ۲میلیارد دلاری!!
- ۵۹..... ۱۱- ضرورت برکناری شاه برای اصلاح ریشه ای کارها
- ۶۰..... راهکارهای عمل به استراتژی
- ۶۱..... الف - استمرار مبارزه
- ۶۱..... ب - دعوت به اتحاد
- ۶۳..... ج - تذکر دائم به علما
- ۶۵..... د - ضرورت مبارزه با شاه تا سرنگونی وی
- ۶۸..... ۱۲- بی ریشه دانستن شاه
- ۷۰..... ۱۳ - مست دانستن حاکمیت شاه
- ۷۱..... ۱۴ - امید بخشی

فصل دوم: پایداری در تبریز

- ۸۰ چهلّم شهدای قم
- ۸۳ سخنرانی مهم امام خمینی
- ۸۴ قم، مرکز علم و عمل
- ۸۵ پایمال کنندگان حقوق بشر
- ۸۷ جنایات انگلیس و امریکا
- ۸۷ انگلیس، ارباب رضاخان
- ۸۸ هوشیاری ملت
- ۸۹ ملت زنده و هوشیار
- ۸۹ رفراّندم انقلاب سفید
- ۹۱ شاه، ضدّ اسلام و روحانیت
- ۹۱ شاه، مجرم اصلی و دست نشانده متفقین
- ۹۲ حوزه قم، زنده کننده اسلام و ایران
- ۹۳ دین و سیاست
- ۹۵ سازش با سلاطین جور، خلاف قرآن
- ۹۷ امریکا و شوروی در مسابقه غارت ایران
- ۹۸ معجون رژیم ایران!
- ۹۹ نمونه‌هایی از فقر و فلاکت ملت ایران
- ۱۰۱ افتضاح حقوق بشر امریکایی
- ۱۰۲ «حقوق بشر» شاه
- ۱۰۴ ائمه، سراسر عمر در مبارزه با ظلم
- ۱۰۵ مبارزه در منطق قرآن و سنت نبی(ص)
- ۱۰۶ تبریز همیشه مبارز و بیدار

۱۰۷	غافلگیری به دلیل حماقت
۱۰۸	پایداری در تبریز
۱۱۲	واکنش‌های شاه
۱۱۴	مشاهدات عینی نویسنده از حادثه تبریز

فصل سوم: همه غافلگیر شدند!!

۱۲۱	برخلاف تصورات و پیش‌بینی‌ها!!
۱۲۷	دروازه تمدن شاه
۱۲۹	عوامل پایداری و بقا
۱۳۴	نتیجه اصلاحات ارضی شاه!!
۱۳۷	محبت آموزه اصیل دینی
۱۳۹	زن و مرد رژیم خشن و خونخوار
۱۴۳	بی‌دینی و ارتداد
۱۴۴	۱- بی‌دینی رضاخان
۱۴۵	بازی با باورهای دینی مردم
۱۴۵	مبارزه با آخوند بازی!!
۱۴۷	۲- بی‌دینی محمدرضا
۱۵۰	۳- فرح بی‌دین و فاسد و مرتد
۱۵۳	گرایش به کمونیسم
۱۵۶	بی‌اطلاعی یا تجاهر؟
۱۵۶	آخر کلام درباره فرح
۱۵۷	آخرین کلام در مورد اعتقادات فرح
۱۵۷	۴- تاج الملوک را بهتر بشناسیم
۱۵۸	۵- ارتداد شمس
۱۵۹	بی‌فرهنگی حاکم بر دربار

۱۶۱		دودمان پهلوی
۱۶۲		مردم در دیدگاه امام
۱۶۳		مردم بی نظیر ایران
۱۶۴		آزار مردم جرم نابخشودنی

فصل چهارم: چهارم شهدای تبریز

۱۶۸		خواب حسرت
۱۶۹		چهل مرکب
۱۷۱		ارتش متلاشی شده
۱۷۳		چهل شهدای تبریز در یزد
۱۷۴		مراسم تجلیل از شهدای تبریز
۱۷۷		چهل شهدای تبریز در جهرم
۱۷۹		تحول عظیم
۱۸۰		نجف را به لار برده اید!
۱۸۴		فرزندان آیت الله سید عبدالحسین
۱۸۴		آیت الله حاج سید حسین آیت اللهی
۱۸۷		روز نهم فروردین ۵۷
۱۸۸		هر چه جنایت افزایش یافت ملت قوی تر گشت
۱۸۹		مبارزه نوین
۱۹۱		دیگر علمای جهرم
۱۹۲		گوشه ای از تواضع آیت الله حق شناس
۱۹۳		آیت الله شب زنده دار
۱۹۵		آیت الله کریمی جهرمی

فصل پنجم: سقوط دولت آموزگار

۲۰۴	تجزیه و تحلیل دولت یکساله آموزگار
۲۰۷	جمهوریخواهان و دمکرات‌ها ضد مردم ایران
۲۰۹	اوج رابطه با امریکا
۲۱۲	دیگر سفاهت‌های دودمان پهلوی
۲۱۳	برعکس نهند نام زنگی کافورا
۲۱۷	سیاستمداران جاسوس و کلاهبردار!!
۲۱۸	بحران روز افزون در کشور
۲۲۲	کمونیست‌ها در دفتر فرح
۲۲۴	دوره عسرت جمشید آموزگار
۲۲۶	اقرار به قانون‌گریزی توسط شاه
۲۲۷	امان از جهل مرکب

فصل ششم: فاجعه ۱۷ شهریور

۲۳۲	نماز عید فطر در تهران
۲۳۳	نماز عید در تپه‌های قیطریه
۲۳۶	مبدأ تاریخ
۲۳۷	دولت جعفر شریف امامی
۲۴۰	۱۷ شهریور رویه دیگر حقوق بشر کارتر!!
۲۴۱	کارتر طراح فاجعه ۱۷ شهریور
۲۴۲	شرح مختصر فاجعه
۲۴۴	یک خاطره
۲۴۵	آثار و نتایج ۱۷ شهریور

۲۴۶	حمایت حقوق بشرگویان از کشتار
۲۴۷	همه چیز عوض شد
۲۴۸	بی‌اثر شدن حکومت نظامی
۲۴۹	همراهی علما با انقلاب
۲۵۱	قره‌باغی آب بدون نظر «هایزر» نمی‌خورد
۲۵۳	فهرست منابع

مقدمه

دلت و زبونی عجیب

شنیده بودیم که در زمان محمدرضا سفرای آمریکا و انگلیس حاکمان حقیقی ایران بودند. آنها به طور مستمر و پیوسته نقطه نظرات کشورشان را به محمدرضا ابلاغ می کردند. شنیده بودیم که وقتی فرمانده نیروی هوایی ایران پس از پایان یافتن ۲۰ دستگاه خانه سازمانی گزارش آن را به اطلاع محمدرضا رساند آنگاه پرسید اجازه می دهید این ساختمان ها را در اختیار فرماندهان نیروی هوایی بگذاریم؟ محمدرضا گفته بود از آمریکایی ها پرسید! شنیده بودیم که «پرون» جاسوس بددهن انگلیس در دربار محمدرضا با تحکم زیاد با شاه صحبت می کرد. فردوست می نویسد:

محمدرضای بی ارزش!!

«رفتار پرون جاسوس کهنه کار انگلیس در دربار پهلوی با محمدرضا بی پروا و بسیار زننده بود. گاه با صراحت به محمدرضا می گفت: تو ارزش نداری که من

با تو صحبت کنم!! اوایل من انتظار داشتم که محمدرضا در مقابل چنین توهینی خجالت بکشد و دستور دهد او به هواپیما سوار کنند و به سویس بفرستند. ولی با تعجب می‌دیدم که محمدرضا سکوت می‌کرد. هرگاه محمدرضا مسأله‌ای را نمی‌پذیرفت پرون آمرانه و با حالت تحکم به من می‌گفت تا به او بگویم و جملاتی از این قبیل را به کار می‌برد: من می‌خواهم که این کار بشود و یا باید این کار را بکنی وگرنه نتایج آن را خواهی دید!!^۱ شنیده بودیم در سفر رسمی که محمدرضا به عربستان داشت و لباس سرمه‌ای پوشیده بود تا عازم فرودگاه شود در حالی که در اتومبیل نشسته بود به یک باره رئیس دفترش در گوشی چیزی به او گفت. محمدرضا بلافاصله از اتومبیل پایین آمد و به اندرون کاخ رفت و پس از پوشیدن لباس نظامی عازم عربستان شد. چون ارباب اینگونه گفته بود. شنیده بودیم که اردشیر زاهدی مانند پدرش فضل‌الله زاهدی که رابط شاه با انگلیس بود، رابط شاه با آمریکا بود. او به همین دلیل وزیر خارجه شد. سپس برای ارتباطات تنگاتنگ سفیر شاه در آمریکا شد تا دستورات کاخ سفید را سریع‌تر به محمدرضا برساند. فریده دیبا می‌نویسد:

«زاهدی هر روز از واشنگتن تلفن می‌زد و محمدرضا را به بازداشت هویدا ترغیب و تشویق می‌کرد... سرانجام یک روز محمدرضا آمد و به من گفت: دستور دادم این پدرسگ را بازداشت کنند. من گفتم: کدام پدرسگ را؟ و محمدرضا جواب داد: هویدا را!!^۲ همچنین خوانده بودیم که محمدرضا خود را غلام حلقه به گوش آمریکا معرفی کرده بود. لقبی که شایسته او بود. چون خودش به خودش داده بود. تا نگویند دشمنان محمدرضا از روی خصومت

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۱۸۹.

۲. دختر یتیم، ج ۲، ص ۳۱۳.

چنین لقبی را به او داده‌اند. ببینید فرح پهلوی همسر محمدرضا از قول شاه چه می‌گوید:

هرچه به من گفتند از جان و دل پذیرفتم!!

«تمام عمرم را صرف سرکوب نیروهای کمونیست و چپ‌گرا (علما و اسلام‌گراها) کردم تا منافع غرب و در رأس آن آمریکا را حفظ کنم. در جریان جنگ ویتنام، نفت و بترین و سوخت مجانی هواپیما به آمریکائیان رساندم و حتی هواپیماهای جنگی ایران را در اختیار سرفرماندهی آمریکا در ویتنام جنوبی قرار دادم. هرچه به من گفتند از جان و دل پذیرفتم و مانند یک غلام حلقه به گوش مجری دستورات منطقه‌ای آن‌ها بودم.» شنیده بودیم که محمدرضا پس از جنگ ویتنام شصت هزار آمریکایی بازگشته از ویتنام را در ارتش ایران به کار گرفت و حتی ستوان «کالی» همان افسر خونخوار آمریکایی که اهالی دهها دهکده را در ویتنام زنده زنده در آتش سوزانده بود به ایران آورد و با حقوق‌های کلان از آنها پذیرایی کرد.^۱ همان‌هایی که به عنوان جنایتکار جنگی تحت تعقیب بودند.

بیگانه نواز و مردم ستیز

محمدرضا عنصر ساده و معمولی بود. یعنی هیچ صفت برجسته‌ای نداشت. مشکل کشور هم از همینجا شروع شد. او برای آنکه ضعف‌ها و سادگی‌های خود را پنهان کند دنبال قدرت بود. تقویت ارتش هم به همین منظور بود. عطش و ولع شاه برای تهیه اسلحه‌های پیشرفته و گران فقط برای شاه و قدرتمند نشان دادن شاه بود و بس. وگرنه ایران در آن دوران از ناحیه هیچ قدرت و یا همسایه‌ای تهدید نمی‌شد. قدرت‌های بیگانه که از ضعف‌های شاه اطلاعات

۱. همان، فرح پهلوی، ص ۸۷۲

۲. همان، ص ۸۷۱

زیادی داشتند مرتباً او را از خطر شوروی می ترساندند. همچنین محمدرضا که از قیام مردمی هراسناک بود آمریکایی ها و انگلیسی ها بر هراس او دامن می زدند تا بیشتر به دامن دشمنان مردم بیفتند و با دست زدن به خشونت بیشتر نسبت به مردم به آمریکا و انگلیس نزدیکتر شود. آنان نیز هزینه های حمایت های خود را از شاه افزایش دهند. اما نشنیده بودیم که سفیر انگلیس در میان جمع شاه را تحقیر کند. ببینید:

«... روز سیزدهم آبان تظاهرات گسترده ای در دانشگاه تهران و اطراف آن صورت گرفت که ظنر تبدیل به جنگ خیابانی شد. تلویزیون هم این صحنه ها را نشان داد. روز چهاردهم آبان ماه سفارت انگلستان را هم آتش زدند. «آنتونی پارسونز» سفیر انگلستان با چهره برافروخته نزد محمدرضا آمد و با بی ادبی گفت: اگر نمی توانید کشور را اداره کنید بهتر است بساط خودتان را جمع کنید و بروید پی کارتان.»^۱

این را می گویند اعلیحضرت، بی کفایت، وابسته، بیگانه نواز، مردم ستیز و ذلیل.

شاه می تواند یک کشور بخرد!!

دنیا شاه ایران را به عنوان یک شخص سرمایه دار می شناخت. سوء استفاده های سیاسی و مالی شاه شاید از چشم مردم ایران پنهان می ماند اما مردم دنیا که به مطبوعات آزادتر دسترسی داشتند محمدرضا را به عنوان یکی از ثروتمندان جهان می شناختند. ثروتی که تماماً از رهگذر سوء استفاده از اموال مردم ایران جمع شده بود. ببینید:

«در این میان من طرز صحبت کردن فرانکی عزیز (فرانک سیناترا) را خیلی

دوست داشتم. وی از جوانی خواننده محبوب من بود. او که ثروت و نفوذش از هر سیاستمدار برجسته حتی رؤسای جمهوری آمریکا بیشتر بود می‌خندید و به محمدرضا می‌گفت: چرا غصه برکناری از ریاست یک کشور را به دل خودت راه می‌دهی؟ تو آن قدر پول داری که می‌توانی برای خودت یک کشور خریداری کنی.^۱ گمان نمی‌رود که شاه این همه خیانت به اموال مردم را صرفاً به دستور اربابان خود انجام می‌داد. درست است که بیگانگان هزینه‌های حمایت‌های خودشان را هر روز افزایش می‌دهند اما با بررسی مجموعه اسناد بر جای مانده از دودمان پهلوی یک نوع خصومت شاه نسبت به مردم در حیف و میل‌های گسترده وی و درباریان مشاهده می‌کنیم. خصومتی عمیق و نهادینه شده. ببینید:

۷ میلیارد دلار کمک بلاعوض برای فرانسه و انگلستان و ایتالیا!

مع‌الأسف طمع و توقع کشورهای استعماری که حامی شاه بودند به قدری زیاد بود که هرگز از بذل و بخشش‌های گسترده شاه سیر نمی‌شدند و هر دم بر خواست خود می‌افزودند. شاه دست‌نشانده هم که پایگاه مردمی نداشت به خواست آنها تن می‌داد. ببینید:

«دولت ایران اعلام کرد در سال ۱۳۵۳ مجموعاً ۷ میلیارد دلار به کشورهای خارج کمک کرده است. کمک‌های ایران برای کشورهای صنعتی چون فرانسه، انگلستان و ایتالیا اهمیت بسزایی داشته و آنها را از بحران اقتصادی نجات داده است.»^۲

این کمک‌های عظیم هزینه باقی ماندن شاه در قدرت بود. «دانکس» روزنامه‌نگار انگلیسی در کتاب «غارت در ایران» نوشت: اگر افزایش نفت ادامه

۱. دختر یتیم، فرح پهلوی، ج ۲، ص ۹۱۳.

۲. روز شمار تاریخ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، دکتر باقر عاقلی، ج ۲، ص ۳۰۱.

یابد، شاه ایران تمام رهبران جهان را فاسد خواهد کرد.»^۱

سفاهت بی‌پایان

بر اساس اسناد موجود و اقراریه بسیاری از مقامات سابق، دودمان پهلوی توسط بیگانگان به قدرت رسید و در ۵۷ سال حاکمیت آنها همه حامی منافع بیگانه و جاسوس بیگانگان بودند. اما ببینید فرح پهلوی چه می‌گوید:

«در زمان سلطنت محمدرضا آمریکاییان برجسته‌ای را در استخدام ساواک و یا دستگاه‌های دولتی دیگر داشتیم. حتی سناتورهای آمریکایی مستقیماً حقوق بگیر ما بودند. آقای «یعقوب جاویتس» سناتور یهودی‌الاصل سالیانه چندصد هزار دلار از ما حقوق می‌گرفت.»^۲

همه می‌دانند «ژاکوب جاویتس» سناتور صهیونیست و افراطی آمریکایی رهبر اکثریت سنا بود. او همواره از مواضع تند اسرائیل در سرکوب گسترده فلسطینی‌ها حمایت می‌کرد. ضمناً وی حامی دیکتاتوری‌های شاه و تبعاً طرفدار فروش سلاح به شاه بود. به همین دلیل خودش و همسرش علاوه بر دریافت هدایای گرانبه‌ای ماهانه مبلغ سی هزار دلار از جیب مردم ولی از دست شاه دریافت می‌کرد. راستی که خاندان پهلوی تماماً سفیه و ساده‌لوح و بسیط بودند. اظهارات فوق توسط فرح مربوط به پس از فرار آنها از کشور است. هیچ‌کس آنها را مجبور به چنین گفتاری نمی‌کرد و محظوری هم نداشتند. ولی با کمال وقاحت می‌گویند که مقامات آمریکایی جاسوس آنها بوده‌اند!! نقل این گفته‌ها آگاهی مردم ما را در بی‌کفایتی خاندان پهلوی دو چندان می‌کند. همچنین جانان فراری که قبل و یا بعد از خاندان پهلوی از کشور گریختند سوء استفاده مالی فراوانی از سادگی شاه

۱. از سید ضیاء تا بختیار، ص ۶۷۱.

۲. دختر بتیم، ج ۲، ص ۹۳۱.

مقدمه □ ز

و فرح و دیگر اعضای خاندان پهلوی کردند. انسان تعجب می‌کند وقتی این همه سادگی‌ها را از افرادی می‌شنود که خود را اعلیحضرت، آریا مهر، علیا حضرت، و غیره می‌خوانند. تکرار سفاکت را چه می‌توان نامید؟ غیر از بی‌استعدادی و کمبود عقل و درایت. فرح خود می‌نویسد:

«شاپور بختیار هم پس از فرار از ایران، در پاریس به ملاقات من آمد و دستم را بوسید و گریه کرد و گفت: «علیا حضرت باید مرا ببخشید. من تقصیری نداشتم. ارتش شاهنشاهی مقاومت نکرد و الا با کشتن عده‌ای از مردم تهران کار درست می‌شد.» بختیار که متأسفانه اعتیاد شدیدی به مواد مخدر داشت!! و این مواد هم در پاریس فوق‌العاده نایاب و گران بود، تا توانست به بهانه مبارزه با رژیم ایران ما را تلکه کرد. او یک میلیون دلار بابت تأسیس یک ایستگاه رادیویی از ما گرفت. بعداً ما متوجه شدیم ایستگاه رادیویی یک میلیون دلاری او عبارت است از یک ضبط صوت دو کاسته که خودش و دوستانش کنار آن می‌نشینند و حرف می‌زنند. آنگاه نوار صوتی آن را به یک ایستگاه خصوصی رادیویی در پاریس می‌دهند تا ضمن آگهی‌هایش صحبت‌های آن را هم پخش کند...»^۱

هرچند فرح مطلع شده بود که ژنرال‌های تاج و ستاره بر دوش ولی حقه باز که عمری را با تملق به شاه مردم ایران را در اسارت بیگانه درآورده بودند و در دو سال پایانی عمر رژیم خون هزاران نفر از مردم ایران را ریخته و مزد خشونت خود را با ارتقاء درجه از محمدرضا گرفته بودند آنی شاه را رها نمی‌کردند و به قول فرح از آنها پول تلکه می‌کردند. ببینید:

«صراحتاً می‌خواهم بگویم که همه این افراد کلاهدار هستند... دریادار مدنی از عراق هم پول گرفته و همزمان از سازمان C-I-A پول گرفته است. اطلاعات

نشان می‌داد شاپور بختیار علاوه بر تلکه کردن من ده‌ها میلیون دلار از رژیم عراق و عربستان سعودی پول گرفته بود. سیاستمداران، رجال سابق و اطرافیان خود ما، همه و همه تبدیل به مشتی کلاهبردار در خارج از کشور شده بودند. آنها مرتباً به کشورهای مخالف رژیم ایران مسافرت می‌کردند تا از صدام و یا امیران عرب منطقه که از وقوع انقلاب اسلامی به وحشت افتاده بودند پول بگیرند و قول سرنگونی رژیم را به آنها بدهند.^۱

البته باید قول فرح را اصلاح کنیم و بگوییم سیاستمداران و رجال سابق و اطرافیان شاه و فرح یک عمر کلاهبرداری کرده و پشت خودشان را از انواع سوء استفاده‌ها بسته بودند نه آنکه بعد از فرار از کشور کلاهبردار شده باشند.

دودمان فاقد اندیشه

معمولاً در اطراف افراد برجسته و بزرگ، افراد برجسته‌تر و بزرگتر جمع می‌شوند. طبع انسان‌های بزرگ همگرایی با افراد فوق‌العاده است. برعکس دوستان و هواداران افراد لابلایی، اشخاص ضعیف و بی‌کفایت و آلوده است. کسانی که برای خوشایند ارباب خود به هر عمل خلافی دست می‌زنند و در غلتیدن به انواع آلودگی از جمله جاسوسی به نفع دشمنان ملک و ملت از هم سبقت می‌گیرند. ببینید:

«بارزترین مشخصه دوران پهلوی (پدر و پسر) دشمنی آنها با شخصیت‌های مستقل و کارآمد بود. به این ترتیب آنها فقط در نیم قرن سلطنت خود امکان رشد به چنین افرادی ندادند و حتی امکان آن که جامعه شناختی از این قبیل شخصیت‌ها پیدا کند بلکه آخرین یادگاران رجال استخوان‌دار دوران قاجار را هم با کینه و غضب خود از میدان بدر بردند. رضاخان یکباره حکومت را از رجالی

که بدنام‌ترین‌شان (مانند عین الدوله) هم وابستگی به اجنبی را ننگ می‌دانستند، خالی کرد... محمدرضا هم وقتی به قدرت مطالعه دست یافت آنچنان حکومتی ساخته بود که اگر پول نفت، اسلحه و ساواک را از آن می‌گرفتند همچون خانه کاغذی فرو می‌ریخت. در این زمان، اشرف و دولتمردان او را بیشتر متولدین مال‌های سلطنت پدرش تشکیل می‌دادند که از بدو تولد به دیکتاتوری عادت داشتند. این را از اسامی کوچک صاحب مقامان می‌شد دریافت که در اثر فضای «شورنیستی» آن دوران منوچهر، ایرج، هوشنگ، پرویز و جمشید بودند.^۱

تحولات عظیم

هم نظر شاه درست بود که روزی روزگاری چنان مطیع و تابع و تسلیم استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا قرار داشت که آب بدون نظر آنها نمی‌خورد و هیچ اقدامی بی‌اجازه و موافقت آنها انجام نمی‌داد. خرید میلیارد دلاری سلاح از پول مردم دردمند و محروم کشورمان تماماً به خواست و دستور آمریکا انجام می‌گرفت و کمک‌های میلیون دلاری از جیب ملت ایران هم به امر آمریکا بود. وقتی شاه به گفته خودش با مصلحت بیگانگان در ایران به قدرت برسد، بدیهی است که باید مجری اوامر آنها باشد. این موضوع از محمدرضا سلب مسئولیت نمی‌کند. مع‌الاسف شاه بقدری زیون و دلیل در برابر بیگانگان بود که نمی‌توانست در برابر آنها مقاومت کند. بودند بسیاری از زمامداران وابسته که بر کشورهای مختلف جهان حکومت می‌کردند که بطور قطع دست‌نشانده آمریکا و انگلیس بودند، اما هیچکدام به ذلت محمدرضا نبودند و تا آن اندازه به دلیل ضعف نفس به ملت و کشور خود خیانت نکردند. اما سال ۵۷ را سال جابجایی قدرت در

ایران می‌گوییم. تحولاتی که موجب تغییرات عظیم در جهان شده و می‌شود. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی فرمودند: «تحولات منطقه خاورمیانه بویژه تحولات بی‌سابقه در موضوع فلسطین نشانه یک تحول و جابجایی در منطقه است و در سطح دنیا نیز در خصوص جایگاه آمریکا و برخی کشورهای اروپایی و میزان تأثیرگذاری آنها، تغییرات بزرگی در حال وقوع است.»^۱

آری همین‌طور است. این تحولات ادامه خواهد یافت و جابجایی قدرت در همه جا و به اشکال مختلف روی خواهد داد. علت العلل این رویدادهای کم‌نظیر بیداری عظیم و فوق‌العاده است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام شروع شده و تقویت شده و ادامه یافته است. صد البته شرط تداوم و تعمیق این تحولات در وحدت کلمه و هوشیاری است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«خوشبختانه هوشیاری و عملکرد مردم با حضور کم سابقه و کم‌نظیر در مراسم بیست و یکمین سالگرد ارتحال امام خمینی بر خلاف انتظار مخالفین و دشمنان نظام اسلامی بوده و مردم حقاً و انصافاً حالت بسیار خوبی از خود به نمایش گذاشتند و نشان دادند که عمیقاً به امام و آرمان‌های ایشان علاقه‌مند هستند. لازم می‌دانم صمیمانه از این همه وفاداری ملت عزیز ایران تشکر و قدردانی کنم.»^۲

تشکر متقابل

جا دارد مردم عزیز و متعهد کشورمان از صمیم قلب از رهنمودها و راهنمایی‌های ولایی مقام معظم رهبری تشکر و تقدیر کنند. عزت ملت بزرگ ایران در سایه

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، چهارشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۸۹.

۲. همان روزنامه، ص ۳.

وحدت کلمه و اسلام محوری و ولایتمداری و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های استکبار جهانی است. مادام که این روحیه را حفظ کنیم و به دور از تلقینات دشمنان انقلاب و دشمنان مردم کشورمان به صراط‌المستقیم خود ادامه دهیم. بدون تردید علاوه بر حکومت بر دلها که سعادت‌مندی در دنیاست، به رستگاری در آخرت که همنشینی با اولیای الهی همراه با تبسم رضایت‌مندانۀ آنهاست، خواهیم رسید. پیداست که نیل به این اهداف آرمانی مستلزم احترام به اصول و رفع مشکلات مردم و پاسداری از ارزش‌ها و دشمن‌شناسی آن‌هم از دید و زبان رهبر معظم انقلاب است. معظم‌له در مورد ماهیت آمریکا می‌فرماید: «ما با دلایل واضح، مذاکره با آمریکا را رد کرده‌ایم چرا که مذاکره در سایه تهدید و فشار و ارعاب را مذاکره نمی‌دانیم و به همین علت همچنان که مسئولان محترم کشور گفته‌اند ما اهل مذاکره هستیم اما نه با آمریکایی که خواستار گفتگو در سایه تهدید و تحریم و زورگویی است... تحریم ۳۰ ساله ایران، تمدید مستمر در دوران رؤسای جمهوری مختلف آمریکا، تبلیغات مسموم بی‌وقفه درباره امام خمینی(س) و ملت ایران و خرابکاری و آشوب به دست عوامل داخلی در برخی سالهای گذشته نشان می‌دهد که آمریکا امروز هم در مقابله با ملت ایران از همان روش‌های کهنه استفاده می‌کند».

درباره جلد هشتم

تمامی تلاش نویسنده در این است که رویدادهای دوران سیاه حاکمیت طاغوت را برای خوانندگان عزیز به تصویر بکشد. کاری که ضروری است. بسیاری از دلسوزان بر توجه کردن و توجه دادن به آن تأکید می‌کنند. ما همگی در برابر امام خمینی قدس‌الله نفسه الزکیه و در برابر مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی و در برابر شهدای گرانقدر مسئولیم. مسئولیم تا نگذاریم

انقلاب به دست نااهلان یفتد. مسئولیم تا صدای قدم‌های شوم استبداد را که در نزدیکی ما پرسه می‌زنند بشنویم و توجه همگان را به آن صداها جلب کنیم. کمترین تعلل در این موضوع موجب برباد رفتن تمامی دستاوردهای انقلاب خواهد شد. انقلاب ما خدامحور و مردم مدار است وظیفه ما توجه ویژه به مردم و رفع مشکلات مردم است. اگر از مردم رفع مشکل شود همواره برای خشتی کردن توطئه‌های استکبار در صحنه‌اند. امام خمینی می‌فرمایند:

ما در محضر خدا هستیم. وقتی ما در محضر خدا هستیم بندگان خدا که عزیز خدا هستند در محضر خدا ما به آنها اذیت نکنیم؛ این جرم بخشودنی نیست. باید نگه داریم اینها را. اگر بخواهید کشور شما دوباره اسیر نشود و همه چیز را از شما نگیرند.^۱

تهران: علی محمد بشارتی

۸۹/۸/۱۵